

ایران‌شناسی: عیدنوروز و خردمندی ایرانیان

دکتر محمود بشیری*

چکیده

این مقاله به طور اختصار به نوروز و جشن آن روز پرداخته و وجه تسمیه آن را با دلایل مربوط بیان کرده است. در ادامه مقاله به اعتقادات تاریخی، دینی در این باره و ارتباط این روز با خلقت عالم، نزول جبرئیل بر پیامبر، بت‌شکنی حضرت ابراهیم و حضرت علی و ظهور حضرت مهدی پرداخته شده و شواهدی از اشعار شاعران را نقل کرده است.

واژه‌های کلیدی: نوروز، جشن، عیدملی، آداب، فرهنگ و خلقت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نوروز^۱ یا جشن نوروز، جشن فروردین و بهار، بزرگ‌ترین عید ملی ایرانیان است. کشورهای دیگری نیز به تاسی از ایرانیان و فرهنگ ایرانی این روز را همانند آنان گرامی می‌دارند؛ از جمله این کشورها می‌توان از افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه و برخی از کشورهای عربی و اروپایی یاد کرد. درباره واژه نوروز، مطابق دستور زبان فارسی دو نظر مطرح است: برخی از اهل زبان، این کلمه را اسم مرکب خاص می‌دانند که از واژه نو به معنای جدید و از کلمه روز تشکیل شده است که به معنای روزی است که سال جدید با آن آغاز می‌گردد. برخی دیگر از اهل زبان، این کلمه را اضافه وصفی مقلوب می‌شمارند که جای موصوف و صفت آن تغییر کرده است، یعنی، ترتیب نوشتاری نوروز را روزنو به معنای روز جدید می‌دانند.

با این حال، نوروز را چه اسم مرکب خاص بدانیم یا کلمه‌ای وصفی، در اصل معنای لغوی آن تفاوتی ایجاد نمی‌شود و هر دو وجه آن به معنای روزتازه و جدید است یا روزی که روز بهار و اول سال جدید با آن آغاز می‌گردد. اما نوروز به معنای اصطلاحی آن بزرگ‌ترین عید و جشن ملی ایرانیان است که سابقه‌ای دیرینه دارد و آن را به دوره شاهان هخامنشی یا حتی پیشتر از آن مربوط می‌دارند.

در کتاب مقدس ایرانیان باستان، «اوستا» که به زبان باستانی به معنای «محکم و سخن استوار» است، اسمی از نوروز نیامده است؛ لیکن در کتاب قدیمی دیگر به نام «بندِهشن» که در اواخر دوره ساسانی به صورت «بُن هِشن» در آمده است و به معنای «اصل، ریشه و منشأ خلقت» است، از نوروز سخن رفته است. همین مسأله می‌تواند راهنمای خوبی برای ما باشد تا از این جشن و عید باستانی و ملی، تلقی درستی به لحاظ دینی و اعتقادی داشته باشیم؛ زیرا «کتاب بندهشن همان کتاب پهلوی دین آگاسی (آگاهی) است»^۲ و با توجه به اینکه مسأله نوروز و جشن آن در کتاب بندهشن آمده است و موضوع این کتاب هم به امر خلقت و آفرینش پدیده-

های این جهان مربوط است، به نظر می‌رسد که جشن و عید نوروز نیز با مسأله خلقت و آفرینش ارتباط معنا داری داشته باشد.

نکته دیگری که در این خصوص گفتنی است، این است که بین مطالب کتاب بندهشن با خطبه اول کتاب مستطاب نهج‌البلاغه مولای متقیان که درباره توحید، خلقت و آفرینش است، شباهت غیر قابل انکاری وجود دارد و علاوه بر این، حکیم زنده ساز سخن پارسی، فردوسی طوسی، حماسه سرای مشهور ایرانی که شاعری شیعی و فرزانه‌ای ایران دوست بود، به نظر می‌رسد که در دیباجة اثر حماسی خود مطالب کتاب بندهشن و خطبه اول نهج‌البلاغه امام علی(ع) را با هم تلفیق کرده است.^۳

بنابراین، می‌توان گفت که وجه تسمیه نوروز می‌تواند مبتنی بر باور و اعتقادی دینی دیرینه پیرامون مسأله خلقت و آفرینش باشد که در ادامه مقاله آن را توضیح خواهم داد.

اما آغاز جشن نوروز در نزد ایرانیان مقارن با ابتدای فصل بهار است و این امر صرف نظر از باورهای اعتقادی و دینی بیانگر درک و فهم لطیف و جمال شناسیک ایرانیان است؛ زیرا در اول بهار، همه چیز در طبیعت در کمال اعتدال و زیبایی خود است و آثار صنع الهی نسبت به دیگر فصول سال در این ایام خودنمایی و جلوه‌گری بیشتری دارد و این آثار همانند «حجله سبز» معرفی است که هر بیننده هوشیاری را به حمد و توحید الهی می‌خواند، و بی‌سبب نیست که شیخ اجل سعدی شیرازی، شاعر مشهور ایرانی، در یکی از غزلیات خود درباره ماه فروردین و فصل بهار سروده است:

خیز و غنیمت شمار جنبش باد ربیع ناله موزون مرغ، بوی خوش لاله‌زار

برگ درختان سبز پیش خداوند هوش هر ورقی دفتری است معرفت کردگار^۴

شاعر دیگری از شاعران پارسی که او نیز همانند سعدی شیرازی، شیخی است از قبيلة قبله، درباره عبرت آموزی فصل بهار پیرامون هوشیاری و تأملات معنوی انسان سروده است:

گل دفتر اسرار خداوند گشوده است صحرا ورق تازه‌ای از بند گشوده است

آئینه عریانی زیبای معانی است این حجله سبزی که خداوند گشوده است

شور سحر حشر اگر باورتان نیست / گل مصحف صد برگ به سوگند گشوده است
 تقریر ادیبانه برهان معاد است / فصلی که نسیم از پی اسفند گشوده است
 بر سجده احساس بنفشه است نشانی / سجاده سبزی که به الوند گشوده است
 تفسیر لطیفی است ز پاگی دل کوه / این چشمه که از چشم دماوند گشوده است
 سرشار ز شیرینی شیدایی خویش است / این غنچه که لب را به شکر خند گشوده است
 پاک است طربنامه خوشبوی سلوکش / این گل که چنین چهره خرسند گشوده است^۵
 بدین جهت، انتخاب بهار به عنوان آغاز سال جدید، بیانگر ذوق سرشار و درک
 زیبای قوم ایرانی است. علاوه بر این نکته دیگری که قابل ذکر است، مسأله اعتقاد به
 عدل و عدالت و ارتباط آن با عید نوروز و روز اول سال است. در فصل بهار همه چیز
 در حد کمال اعتدال است و از اعتدال است که زیبایی، امکان ظهور و بروز می‌یابد و
 اعتدال نیز چیزی جز عدل و عدالت نیست، و در فصل بهار و خصوصاً در روزهای
 آغازین آن هوا نه گرم است و نه سرد، یعنی، هوا نه جور سرمای دی را دارد و نه
 ستم گرمای تیر و مرداد را، و از همین روست که شکوفه‌های زیبای عدالت در این
 فصل در گوشه و کنار طبیعت به بار می‌نشینند و حس خشن آدمی را به نرمی و
 لطافت متمایل می‌کند، و انتخاب روز اول بهار به عنوان آغاز سال جدید بیانگر روح
 عدالت طلب و اعتدال جوی ایرانی است و فروردین، ماه عدل و عدالت است، چنان
 که ناصر خسرو قبادیانی شاعر حق طلب و عدالتجوی ایرانی در همین خصوص سروده
 است :

چون به نقطه اعتدالی راست گردد روز و شب / روزگار این عالم فرتوت را برنا کند
 نرگس و گل را که نابینا شود از جور دی / «عدل پروردین» نگر تا چون همی بینا کند
 عدل کن با خوبستن تا سبزپوشی در بهشت / عدل زیرا خاک را می سبز چون مینا کند
 آنچه ایزد کرد خواهد با تو آنجا روز عدل / با جهان، گردون به وقت اعتدال اینجا کند
 دشت دیبا پوش کرده‌ست اعتدال روزگار / زان همی بر عدلت ایزد وعده دیبا کند^۶

جشن نوروز، مطابق ذوق و نگرش ایرانی، جشن عدالت است و بدین سبب
 ایرانیان مذهب تشیع را پذیرفته‌اند؛ زیرا که از باورهای مهم اعتقادی و دینی شیعه
 امامت و عدالت است و این دو امر از هم جدا نیستند و لازم و ملزوم هم هستند و

شاهنامه حکیم فردوسی نیز نقطه تلیق نگرش ایرانی با دیدگاه شیعی پیرامون امامت و عدل است. او در شاهنامه خود درباره سرگذشت پنجاه و سه تن از شاهان ایران از آغاز تاریخ ایران تا سقوط دولت ساسانی سخن گفته و خردمندی و عدل را از خصایص مهم امامت و رهبری در فرهنگ باستانی ایران ذکر کرده و در همه جای شاهنامه بیخردی و بیدادگری را نیز نکوهیده است و بدین سبب، شاهنامه او یک دادنامه یا «حماسه داد» است. در این خصوص، وی در شاهنامه سروده است:

چنین گفت نوشین روان قباد	که چون شاه را دل ببیچد ز داد
کند چرخ، منشور او را سیاه	ستاره نخواند ورا نیز شاه ^۸
برو تیره شد فرّه ایزدی	به کزّی گرایید و نابخردی ^۹

اما اگر در کشوری عدل و داد باشد، همه خوبیها و زیباییها در آن کشور موجود خواهد بود، به طوری که:

از ابر بهاران بیارید نم	ز روی زمین رنگ بزدود غم
جهان گشت پرسبزه و رود آب	سر غمگنان اندر آمد به خواب
زمین چون بهشتی شد آراسته	زداد و زبخشش پر از خواسته
جهان شد پر از خوبی و ایمنی	ز بد بسته شد دست اهریمنی ^{۱۰}

در نزد ایرانیان باستانی، نوروز به دو بخش تقسیم می‌شد که آثار آن نیز هنوز در زمانه ما به گونه‌ای دیگر باقی مانده است. یکی از این دو بخش، موسوم به نوروز عامه است و آن پنج روز بود که از اول بهار آغاز می‌شد تا روز پنجم فروردین ادامه می‌یافت و در این پنج روز، شاهان ایران همه ایرانیان را در کاخهای خود می‌پذیرفتند و از آنان پذیرایی می‌کردند و نیازهای نیازمندان را در این پنج روز برآورده می‌ساختند و درهای زندان را می‌گشودند و زندانیان را می‌رهانیدند و این امر در شعر برخی از شاعران فارسی انعکاس یافته است؛ چنان که مولانا جلال‌الدین بلخی در یکی از اشعار خود به این نکته اشاره کرده و گفته است:

باز آدم چون «عید نو» تا قفل زندان بشکنم وین چرخ مردمخوار را جنگال و دندان بشکنم^{۱۱}
علاوه بر این، شاهان در این ایام به مدت پنج روز از تاج و تخت کناره می‌گرفتند و با انتخاب مردم شخصی به عنوان شاه موقت برگزیده می‌شد و به وی

«میرنوروزی» می‌گفتند و حکم وی تا پنج روز همانند حکم شاه دائمی، نافذ و قابل اجرا بود و این امر هنوز در برخی از مناطق و شهرها و استانهای ایران مثل استان کردستان همانند ادوار پیشین مرسوم است، و این مسأله «میرنوروزی» نیز در شعر شاعران ایرانی و از جمله در اشعار حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی آمده و وی در این خصوص سروده است:

سخن در برده می‌گویم جو گل از غنچه بیرون آی که بیش از پنج روزی نیست حکم میرنوروزی^{۱۲}
 این پنج روز اول عید را ایرانیان نوروز کوچک یا صغیر می‌نامیدند^{۱۳} که در روزگار ما هر چند این اصطلاح و عنوان دیگر معمول نیست، لیکن آداب آن کماکان مرسوم است؛ زیرا در همین دوران ماهمه ایرانیان در پنج روز اول فروردین ماه تعطیل هستیم و همانند ایرانیان گذشته به جشن و شادی و دید و بازدید می‌پردازیم، لیکن بعد از پنج روز، گروهی خاص تا سیزدهم فروردین که در فرهنگ ایرانی این آخرین روز به «سیزده بدر» مشهور است، تعطیل هستند و در جشنها شرکت دارند. در این مدت خوشبختی بین مردم تقسیم می‌شد و ایرانیان این روز را روز آرزو هم گفته‌اند.^{۱۴} در زمان گذشته نیز از ششم فروردین به بعد را «نوروز خاصه» می‌نامیدند و خود روز ششم در نزد گذشتگان ما موسوم به «روز خرداد» بود^{۱۵} که در نزد ایرانیان، هم روز اول فروردین و هم روز ششم فروردین بسیار ارجمند شمرده می‌شد و در زمانه ما بدون آنکه ایرانیان علت آن را بدانند، این ایام را عزیز می‌دارند. گرامی بودن روز اول فروردین بدین سبب بود که به اعتقاد قدمای ما خداوند تعالی در این روز جهان و هستی را آفرید و هفت سیاره مدبر را نیز که در نزد قدما مشهور به «آبای علوی» یا پدران هفتگانه آسمانی بود، خلق کرد که به واسطه تأثیر این هفت سیاره یا پدران هفتگانه بر «امهات اربعه» یا مادران چهارگانه که مقصود «آب، آتش، خاک و باد» است که به آنها «عناصر اربعه» نیز می‌گویند و قدرت زاینده‌گی دارند، «موالید ثلاث» یا فرزندان سه گانه، یعنی، «جماد، نبات و حیوان» پدید می‌آید و با خلقت اینان حیات و زندگی در جهان آغاز می‌گردد و نخستین بشر، حضرت آدم علیه‌السلام یا ابوالبشر، نیز در همین روز اول بهار خلق می‌شود و در همین روز که به روز «الست»^{۱۶} در فرهنگ دینی و اسلامی مشهور است، خداوند از

آدم ابوالبشر و از همهٔ انسانهای نسل او پیمان می‌گیرد که جز او را نپرستند و خدایشان را از یاد نبرند. در واقع، نوروز روز میثاق بندگان خدا با خدای یگانه است که جز او کسی را خدای خود نگیرند و جز خدا را نپرستند و غزل مشهور حضرت لسان الغیب حافظ شیراز آن شاعر پر رمز و راز که به «بار امانت» شهرت دارد، مربوط به همین واقعه است که سروده است:

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند
ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت با من راه نشین بادهٔ مستانه زدند
آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعهٔ کار به نام من دیوانه زدند...^{۱۷}

این غزل حضرت حافظ در واقع، مربوط به جشن تولد حضرت آدم (ع) نخستین انسان است که خداوند همهٔ فرشتگان را در این جشن تولد فرا خوانده است تا شاهکار خلقت خویش را به لحاظ خلقی و خلقی به آنان بنمایاند که این واقعه نیز مربوط به همین روز اول فروردین است که در نزد ایرانیان موسوم به نوروز صغیر یا کوچک و عامه است و بدین لحاظ، ایرانیان خردمند معتقد بودند که با خلقت انسان، موضوع خلقت و آفرینش هستی و جهان نیز پایان می‌یابد و جشن نوروز با این مفهوم خلقت و آفرینش مناسبت تام دارد.^{۱۸}

اما نوروز خاصه، که از ششم فروردین آغاز می‌شود، بدین سبب گرامی بود که اولاً - در این روز بنا به تحقیقات فرزندگان ایرانی زاد روز خجستهٔ زرتشت پیامبر ایرانی^{۱۹} و صاحب اندرزه‌های سه گانهٔ گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک است،^{۲۰} ثانیاً - جمشید از شاهان باستانی و اساطیری ایران، که مسألهٔ جشن نوروز به روایتی به او نیز باز می‌گردد و او به لحاظ شأن و منزلت در فرهنگ باستانی و در شعر شاعران ایرانی، هم شأن حضرت سلیمان (ع) تلقی شده و اساساً در ادب فارسی شخصیت جمشید و حضرت سلیمان با هم تخیلیت گردیده است^{۲۱} و درستی و نادرستی این سخن مطلبی است که فعلاً مربوط به مقاله نیست، در این روز بسیاری از مردم روزگار خویش را که به لحاظ دین و آیین، صابئی یا ستاره‌پرست بودند به آیین ایزدپرستی خواند، و بدین سبب این روز را نوروز نامیدند و آن را عید و جشن گرفتند، و جمشید هم که اسم اصلی وی «جم» بود پس از برقرار کردن نظام زندگی

بر اساس عدل و داد، در روز «هرمزد» که آغاز آن از همین روز ششم فروردین است، بر تخت شاهی نشست^{۲۲}، بر تختی که به گونه‌ای مرصع و تزیین شده بود که چون خورشید یا به زبان باستانی، «شید» بر آن بتابید، روشنایی‌ای از آن درخشید که همگان را به حیرت افکند و از این رو، ایرانیان، «جم» را جمشید خواندند و این روز را نوروز نامیدند^{۲۳}. در این روز نیز نیشکر به دست جمشید شکسته شد و آب آن مفید تشخیص داده شد و از آن شکر ساختند و بدین جهت خوردن شکر و انواع شیرینی در نوروز نیز مرسوم است.

نکته‌ای دیگر که مسألهٔ تقدس دینی مربوط به نوروز را مسلم می‌سازد، سخنان مشهور ائمهٔ معصوم (ع) در این خصوص است که از جملهٔ آن سخن امام جعفر صادق (ع)، ششمین امام معصوم شیعیان است که ایشان دربارهٔ اهمیت نوروز به یکی از یاران خویش فرموده‌اند که بنا به این روایت، حوادث مهمی در روز اول فروردین رخ داده است و مشهورترین آنها این است که در این روز خورشید در جهان بتابید و بادهای باردار وزیدند و گلها و گیاهان روی زمین روییدند و خداوند در همین روز در «عالم ذر» از انسانها پیمان گرفت که جز خدای تعالی را نپرستند و به پیامبران الهی ایمان آورند. کشتی نوح پس از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت.

ابراهیم خلیل الله بتها را درهم شکست و پایه‌های تخت نمرود را لرزاند و فرشتهٔ وحی، جبرئیل امین، در این روز بر پیامبر اسلام فرود آمد، و امام علی (ع) بت‌های روی خانهٔ کعبه را به زیر افکند و نابود کرد و حضرت مهدی (ع) در همین روز برای اجرای قسط و عدل الهی قیام خواهد کرد. حضرت امام جعفر صادق (ع) در ادامه سخن خویش می‌فرماید که پس نوروز از روزهای شیعیان ماست و ایرانیان آن را حفظ کردند ولی اعراب آن را تزیین نمودند.^{۲۴}

در خصوص اینکه حضرت مهدی (ع) آن قائم دادگستر در روز جمعه و اول فروردین ماه، که روز عدل و عدالت است، ظهور خواهد کرد، شاعرانی فارسی شعرهای زیبایی سروده‌اند و از جمله حضرت امام خمینی در دیوان غزلیات خود در پیوند روز اول فروردین و انتظار فرج قائم آل محمد (ص) و ظهور حضرت مهدی

(ع) غزلی زیبا دارد^{۲۵}، لیکن در اینجا شعر یکی از شاعران معاصر را دربارهٔ همین موضوع به عنوان نمونه می‌آوریم:

نمازی خوانده‌ام دربارش یکریز ترتیلش فدای عطر «حوّل‌حالتی» سال تحویلش
کلید آسمان در دست فردی می‌رسد از راه پر است از معنی آیات ابراهیم تنزیلش
زمین هر روز فرعون‌ی دگر در آستین دارد دعا کن هر سحر آبستن موسی شود نیلش
زمان اسب سپید مهدی موعود را مانند به گردش کی رسد بهرام ور جاوند با پیلش
زمین یک روز در پیش خدا قد راست خواهد کرد به قرآنی که گل کرده است از تورات و انجیلش^{۲۶}

اما نوروز در نزد ایرانیان دارای فرهنگ و آدابی است که هر یک از آنها نشانهٔ بینش و بصیرت عمیق و ژرف فرهنگی و فرهیختگی و خردمندی این قوم است. یکی از این آداب، چینش سفرهٔ هفت سین یا هفت چین است که در آن سفره، هفت سینی یا مجمع به یاد اهورامزدا و شش امشا سپندان، یعنی، فرشتگان مقرب خدا به نامهای اردی‌بهشت، خرداد، امرداد، شهریور، بهمن و اسفندار مز می‌گذاشتند. در زمانهٔ ما نیز ایرانیان با اندکی تغییر، مشابه همین کار را به نوعی دیگر انجام می‌دهند و هفت خوردنی یا غیر آن را که با حروف سین یا حروف دیگر آغاز شده بر روی سفرهٔ هفت سین یا هفت سینی می‌چینند که هر یکی از آنها نماد و نشانهٔ امری راز آمیز است و معنایی ژرف دارد. «سگه» نماد ثروت و دارایی است. «سیر» نشانهٔ حفظ تندرستی و سلامتی جسم است. «سمنو» نماد رویش و رستن است. «آب، آینه و شمع» نشانهٔ روشنایی و شید و خورشید است. «تخم‌مرغ» رمز تولد و آفرینش است. «شیرینی» نماد برکت و روزی و شادی است. «ماهی» رمز آناهیتا و فرشتهٔ آب و باروری است. علاوه بر این هفت خوردنی و غیر خوردنی سفرهٔ هفت سین، معمولاً ایرانیان بر روی سفره، آتشدانی می‌نهادند و در آن اسپند و عود می‌ریختند تا موجب جذب فروهرها و فرشتگان و امور نیک و نیز سبب دفع اهریمن و امور شر شوند^{۲۷}. البته فرهنگ و آداب مربوط به نوروز، خود کتابی مفصل است و در این نوشته، گوشه‌ای از آن ذکر گردید.

به هر روی، امری که مسلم است، ارتباط نوروز با مسأله خلقت و جنبه دینی و اعتقادی است و نیز ارتباط این روز با ظهور قائم آل محمد (ص) حضرت مهدی (ع) برای اجرای عدالت الهی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

- ۱- شاید نخستین دانشمند و فرزانه ایرانی در دوره اسلامی درباره نوروز کتابی مستقل نوشته، حکیم عمر خیام نیشابوری باشد. او در «نوروزنامه» خود علت نام‌گذاری و مبدع نوروز را ذکر می‌کند. مرحوم مجتبی مینوی این کتاب را با واژه‌نامه و اصطلاحات در ۱۳۹ صفحه در سال ۱۳۳۰ ش در تهران به چاپ رسانیده است. همچنین ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» صفحه ۲۵۳ در تعریف و وجه تسمیه نوروز مطالب خواندنی ذکر نموده است و نیز همین فرزانه ایرانی در کتاب «آثار الباقیه» از صفحه ۲۸۰ به بعد روایات متعددی را در این باب و در مورد وجه تسمیه و برپایی آیین نوروز گرد آورده است.
- ۲- ر.ک: دانشنامه مزدیسنا، دکتر جهانگیر اوشیدری، نشر مرکز، ۱۳۷۱، ص ۱۷۰.
- ۳- برای آشنایی بیشتر لطف کنید به هر سه مأخذ مراجعه نمایید.
- ۴- کلیات سعدی شیرازی، تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات افکار، ۱۳۸۰، ص ۴۲۶.
- ۵- تبسمهای شرقی (دفتر شعر)، زکریا اخلاقی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۱.
- ۶- دیوان اشعار ناصرخسرو قبادیانی، به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۵۷، ص ۳۸۸.
- ۷- ر.ک: حماسه داد، م. جوانشیر، انتشارات توده، ۱۳۶۰.
- ۸- شاهنامه فردوسی، تصحیح ژول مول فرانسوی، کتابهای جیبی، ج ۷، ص ۱۴.
- ۹- همان مأخذ، ج ۱، ص ۴۹.
- ۱۰- همان مأخذ، ج ۴، ص ۹.
- ۱۱- گزیده غزلیات شمس، مولوی بلخی، به کوشش دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات جیبی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۶.
- ۱۲- دیوان غزلیات حافظ، به کوشش صفر صادق‌نژاد، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۲۶۲.
- ۱۳- ر.ک: لغت‌نامه علامه دهخدا، ذیل کلمه نوروز.
- ۱۴- برگهایی در آغوش یاد، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات طوس، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۶۷۸.
- ۱۵- ر.ک: دانشنامه مزدیسنا، دکتر اوشیدری، ص ۲۵۳، و لغت‌نامه دهخدا ذیل کلمه نوروز.
- ۱۶- آیه شریفه ۱۷۲ سوره اعراف: الست برکم. قالوا بلی شهدنا.
- ۱۷- دیوان حافظ، همان، ص ۱۲۱.
- ۱۸- ر.ک: دانشنامه مزدیسنا، ص ۴۵۵.
- ۱۹- البته برخی محققان پیامبر بودن زرتشت را تأیید نمی‌کنند.
- ۲۰- ر.ک: دانشنامه مزدیسنا، ص ۴۵۵.

- ۲۱- ر.ک: فرهنگ اساطیر، دکتر محمد جعفر یا حقی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات و انتشارات سروش، ۱۳۶۹، ص ۴۲۷.
- ۲۲- ر.ک: زین الاخبار یا تاریخ گردیزی، ابوسعید بن محمود گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۲۴۱.
- ۲۳- همان مأخذ پیشین، ص ۲۴۱، ولغت‌نامهٔ دهخدا ذیل کلمهٔ نوروز.
- ۲۴- بحارالانوار، علامهٔ مجلسی، ج ۵۶، باب ۲۲، ص ۹۲.
- ۲۵- دیوان غزلیات امام خمینی، دفتر نشر آثار، غزل اول.
- ۲۶- شعر از شاعر معاصر آقای علیرضا قزوه است که از حافظه نقل شده است.
- ۲۷- ر.ک: دانشنامهٔ مزدیسنا، ص ۴۵۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی